یادداشت

صلح تحمیلی، جنگ تحمیلی

■ ادامه از صفحه یک

لشکر معاویه نیامده بود که بجنگد؛ آمده بود که قدرت‌نمایی کند، مردم را بترساند و با توطئه و پول‌پاشی و نفوذ و با دوگانه صلح و جنگ، امام را تحت فشار قرار دهد و توافق را تحمیل کند. جاسوسان معاویه در میان مردم از قدرت سپاه او می‌گفتند و به موازات این توطئه‌های مکارانه، رشوه‌های میلیون درهمی خرج می‌شد تا خواص و عوام سپاه امام را بخرد- که خرید. امام با کدام فرمانده به جنگ معاویه می‌رفت؟ مردم هم خسته، پراکنده و چند دسته بودند؛ اشباه‌الرجالی که یک روز پی جنگ بودند، روزی پی سازش. برای جنگ بیعت می‌بستند و وقت نبرد، میدان را خالی می‌کردند. امام با کدام لشکر به جنگ معاویه می‌رفت؟

اینگونه شد که رهبر جامعه اسلامی مجبور به واگذاری حکومت به شورشی شام شد. ایشان اگر می‌جنگید و خود و سپاهیانش کشته می‌شدند در نگاه بی بصیرت مردم آن زمان، خلیفه‌ای مقتول بود که از عهده سرکوب یک شورش در قلمرو حکومتش برنیامده و تازه مردم را هم به کام مرگ برده است و نه مقتول شهیدی همچون امام حسین (ع) در عاشورای ۱۱ سال بعد که از نگاه مردم، به‌حق مقتول مظلوم شهیدی بودند که مقابل خلیفه‌ای غاصب و میمون‌باز قیام کرده تا حقی غصب شده را باز پس گیرد.

توافق صلح با معاویه به امام حسن (ع) تحمیل شد، آن‌چنان که باز گرداندن مالک اشتر از پای خیمه معاویه در جنگ صفین به امام علی (ع) تحمیل شد. اما نتیجه این توافق تحمیلی چه بود؟

پیمان‌شکنی معاویه و عدم اجرای تعهداتی که در توافقنامه بر عهده او بود، از قضا نشان می‌دهد که چگونه مردم در تحمیل صلح بر امام، اشتباه رفتند و به کسی که نباید، اعتماد کردند. مهر معاویه پای این توافقنامه، نه تنها تضمینی برای اجرای تعهداتش نشد، بلکه از قضا برخی خواسته‌های طرف مقابل را پذیرفت، چون می‌دانست قرار نیست اجرا کند و هر چه هم که موجود است، فقط روی کاغذ است. طبق متن توافق قرار شد معاویه طبق سنت خدا و رسول خدا عمل کند که نکرد؛ قرار شد برای خود جانشین تعیین نکند که کرد؛ توطئه نکردن علیه امام هم یکی دیگر از بندهای توافق بود که نحوه شهادت امام حسن (ع) برای اثبات عدم اجرای آن کفایت می‌کند. در نهایت هم پیمان‌شکنی معاویه و جانشینی یزید پس از مرگ او، منجر به شکل گیری قیام خونین عاشورا و بریدن سر امام معصوم و ولی خدا در زمین شد. این نتیجه صلح تحمیلی است. وگرنه که کجای مشی و سیره اختیاری ائمه این بود که حق حاکمیت ولی خدا بر مردم را و در نتیجه امور مسلمانان را به ملعونی ستمگر واگذار کنند؟! هم از این رو است که از قضا، نتیجه توافق امام با معاویه، به ما اثبات می‌کند که تن ندادن به تصمیم امام مسلمانان و تحمیل صلح بر او به قدر تحمیل جنگ خطرناک خواهد بود. فراتر از آنکه تصمیم امام مسلمانان بر صلح است یا جنگ یا مقاومت، این تصمیم باید در یک فضای آزاد و ضمن مشورت با عقلای قوم گرفته شود. اگر به رهبر جامعه اسلامی در اتخاذ تدابیر نظامی، اعم از صلح یا جنگ، اعتماد شد، آن وقت آن تصمیم می‌تواند به عنوان سیره عملی امام معصوم مورد الگوبرداری قرار گیرد. وگرنه که می‌توان گفت هیچ فرمانده دشمن را در جنگ نظامی نکشیم، چون امام علی (ع) هم به مالک گفت معاویه را نکش و برگرد!

صلح تحمیلی با دشمن بدون در نظر گرفتن برابری تعهدات و امتیازات و ضمانت اجرایی تعهدات دشمن، لاجرم به جنگ تحمیلی می‌انجامد. آن‌چنان که صلح با معاویه، به عاشورا رسید. اگر مردم پای تصمیم امام می‌ایستادند، خواص خیانت نمی‌کردند و امام حسن (ع)، نه از موضع رهبری بی سپاه و بی فرمانده و زخم ترور مثلاً خودی بر تن، بلکه از جایگاه خلیفه‌ای قدرتمند با سپاهی عظیم و آماده رزم پای میز مذاکره با معاویه می‌رفتند، کسی که باید به شرایط طرف مقابل تن می‌داد، معاویه بود؛ اویی که عقب می‌نشست و دیگر خواب خلافت نمی‌دید، معاویه بود. با قدرت است که می‌توان هم مانع جنگ شد و هم تن به توافق و مذاکره مدنظر دشمن نداد. وگرنه همین صلح امام حسن و معاویه به ما می‌آموزد که اعتمادی بر امضای دشمن بی تقوا نیست و او به عهد خود وفا نمی‌کند و سرانجام هم کار را به عاشورا می‌رساند. صلح تحمیلی به جنگ تحمیلی می‌انجامد؛ به نام صلح است، اما به جنگ می‌رسد.

خبر

رئیس مجلس در یادواره شهدای خدمت و امنیت:

مشکلات امروز حاصل تصمیم‌های غلط و باور نکردن جوانان است

وقتی مال حرامی در زندگی وارد شود، وقتی در سیاست‌های پولی و مالی به درستی تصمیم نگیریم و رویکردهای‌مان غلط باشد و وقتی در رویکرد اقتصادی‌مان به مردم و جوانان‌مان اعتماد و باور نداشته باشم، حاصل آن مشکلات فعلی می‌شود.

به گزارش سپاه نیوز، دکتر محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی در «یازدهمین یادواره شهدای خدمت و امنیت» (شهیدان شوشتری و محمدزاده) که روز پنج‌شنبه در مشهد مقدس برگزار شد، با بیان اینکه شهید شوشتری و شهید محمدزاده و شهدای وحدت دیگر هم خون دل خوردند و هم خون خود را برای خدمت به مردم دادند، بیان داشت: «اینها تربیت یافته جهاد و شهادت هستند. تربیت یافته فرهنگ خدمت به مردم. شهید شوشتری در مجاهدت خود به همه ما آموخت آنچه مهم است انسانیت انسان است و باورهای مکتب قران و احترام به مردم. شهید شوشتری یک انقلابی واقعی بود و تحت تأثیر قبیله‌گرایی و دست و گروهی قرار نگرفت و برای او همیشه رهبر انقلاب و مردم موضوعیت داشت.»

رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه خداباوری و مردم‌باوری تنها در دفاع مقدس نیست، گفت: «این خداباوری و مردم‌باوری در سیستان و بلوچستان و قرارگاه شرق کشور هم هست. شهید سلیمانی به همه ما آموخت که خداباوری و مردم‌باوری در مبارزه با استکبار در اقصی نقاط دنیا و جنوب غرب آسیا و کشورهای اسلامی هم هست و خدا همان خدا است. آنها به ما آموختند که در سیاستگذاری در اقتصاد و فرهنگ خدا همان خداست بنابراین اگر ما خداباور باشیم حتماً تورم و مشکلات اقتصادی هم قابل حل است.» قالیباف با بیان اینکه سنت‌های الهی در هیچ زمانی تغییر پیدا نخواهند کرد، بیان داشت: «سنت‌های الهی این نیست که برای امنیت باشد و اما برای صنعت نباشد. برای حوزه اجتماعی باشد و اما برای اقتصاد نباشد؛ این سنت‌ها برای همه بشریت پابرجاست. هر گروهی که به سنت‌های الهی اعتقاد پیدا کند پیروزی حق آن است». وی با بیان اینکه سنت‌های الهی تبدیل نمی‌شوند، بیان داشت: «هیچ وقت تبصره‌ای به سنت‌های الهی زده نمی‌شود بنابراین اساس انقلاب اسلامی و اندیشه انقلاب اسلامی هم بر همین سنت‌های الهی ماندگار بود؛ و هر جا بر این سنت‌های الهی باور داشتیم موفق شدیم و هر کجا در رویکردهای‌مان به این مسئله باور نداشتیم شکست خوردیم و کارمان دچار مشکل شد و می‌بینید این مشکلات را ... بنابراین راه برون‌رفت از مشکلات همین است. امروز اگر ما در اقتصاد دچار چالش هستیم، به این دلیل است که باور به این سنت‌های الهی نداریم.» قالیباف اظهار داشت: «به هر حال وقتی مال حرامی در زندگی وارد شود، وقتی در سیاست‌های پولی و مالی به درستی تصمیم نگیریم و رویکردهای‌مان غلط باشد و وقتی در رویکرد اقتصادی‌مان به مردم و جوانان‌مان اعتماد و باور نداشته باشم حاصل آن مشکلات فعلی می‌شود.» رئیس مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: «مطمئن باشید که اگر این مسیر را انتخاب کنیم و نگاه‌مان و باورمان به سنت‌های الهی باشد و تکیه‌مان به مردم خودمان باشد. موفق خواهیم بود. اگر ایران قوی می‌خواهیم، ایران قوی وقتی اتفاق می‌افتد که تک‌تک مردم ایران قوی باشند و این اقتدار و امنیت را به وجود می‌آورد». رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه ما باید فرصت را برای مردم و جوانان فراهم کنیم، تصریح کرد: «ما به پشتوانه همین جوانان امروز در فناوری و صنعت دفاع جزو پنج کشور دنیا هستیم. جوانان ما انواع مختلف موشک‌ها را می‌سازند؛ این جوانان وقتی تصمیم گرفتند، ماهواره درمدار قرار دادند و این یعنی مردم‌باوری. متأسفانه ما این فرصت را در اقتصاد از جوانان‌مان گرفته‌ایم برخی در اقتصاد به مردم و مردم‌باوری اعتقاد ندارند.»

گزارش

یک‌بار دیگر برداشت سیاست‌زده رئیس‌جمهور از «صلح امام حسن(ع)» با واکنش ناظران روبه‌رو شد

«صلح امام حسن» را با ترس تفسیر نکنید

اظهارات جهت‌دار و قابل تأمل رئیس جمهور درباره صلح امام حسن(ع)، بار دیگر روحانی را در مظان تحریف و تفسیر شخصی رفتار ائمه (ع) قرار داد. تحریف و تفسیری که می‌کوشد، زندگی امامان معصوم را آن‌گونه که می‌خواهد تفسیر کند، نه آن‌گونه که بوده است. رئیس جمهور پیش‌تر (مهر ماه سال ۹۳) در اجتماع مردم زنجان نیز حماسه عاشورا را به نوعی مذاکره دیپلماتیک تقلیل داده و گفته بود: «درس کربلا هم درس تعامل سازنده و مذاکره در چارچوب منطق و موازین است».

روحانی در جلسه هیئت دولت روز چهارشنبه گذشته گفته بود: «از امام حسن (ع) هم باید یاد بگیریم. او امام صلح و امام پیوند بود؛ او امامی بود که با ایجاد وحدت برای حفظ اساس اسلام گام برداشت. وقتی برخی از اصحاب امام حسن آمدند با زبان معترضانه که چرا قبول کردید و چرا صلح کردید؟ چرا در برابر طرف مقابل پیمان را امضا کردید؟ حضرت فرمود: "انی رأیت هوی معظم‌الناس علی الصلح"، گفت جامعه اسلامی که شما ۱۰ نفر نیستید شما ۲۰ نفری که اینجا پیش من آمدید دنیای اسلام نیستید. من در مسجد برای مردم سخنرانی کردم و دیدم اکثریت قاطع جامعه صلح می‌خواهند و وقتی مردم این را می‌خواهند صلح را انتخاب می‌کنم. این راه امام مجتبی است، امام مجتبی به ما می‌آموزد مرد جنگ باشیم به روز جنگ و مرد صلح باشیم به روز صلح. اگر در روز صلح جنگیدیم و اگر در جنگ صلح کردیم هر دو خطا و اشتباه است. به موقع باید بایستیم و بجنگیم به موقع باید صلح کنیم.»

■ تفسیر دین با انگیزه‌های شخصی!

آیت‌الله حسینی بوشهری، دبیر شورای عالی حوزه‌های علمیه روز گذشته در واکنش به این قرائت از سیره امام حسن مجتبی (ع) تصریح کرد: «برخی به دلیل منافع و انگیزه‌های شخصی دین را وارونه تفسیر و خود و پیروان خود را دچار مشکل می‌کنند.»

حسینی بوشهری با اشاره به آسیب‌های دینداری گفت: «برخی آسیب‌ها می‌تواند انسان را از دینداری دور کند و حتی به دین گریزی برساند، کسانی که دینداری فصلی و مقطعی دارند و کسانی که تک بعدی به دین نگاه می‌کنند دیندار واقعی نیستند.» دبیر شورای عالی حوزه‌های علمیه با هشدار نسبت به انحراف خواص اظهار داشت: «اگر خواص جامعه و مدعیان متولی بودن دین دچار انحراف شوند هم دینداری آنها و هم دینداری ارادتمندان و پیروان آنها دچار آسیب سختی خواهد شد، باید همیشه مراقب باشیم آسیب‌ها متوجه ما نشود و دین ما در معرض تهدید قرار نگیرد.»

وی عدم شناخت صحیح دین را از آسیب‌های دیگر دینداری دانست و ادامه داد: «جهل و شناخت ناقص از دین انسان را دیندار نمی‌کند، برخی دین را در مباحث مادی منحصر می‌دانند و توجهی به جنبه اخروی ندارند، برخی نیز تنها به بعد اخروی توجه می‌کنند و نمی‌دانند دین برای دنیای انسان هم برنامه دارد.»

آیت‌الله حسینی بوشهری ابراز داشت: «انقلابی با این عظمت در ایران اسلامی به وجود آمده که نتیجه سرمایه‌گذاری انبیا و اولیای الهی و پاکان و خوبان بوده، اما کسانی که دینداری ناقص دارند تحت تأثیر افراد و تفکراتی قرار می‌گیرند و به چیزی که باید پایبند باشند نیستند و به گونه‌ای دیگر رفتار می‌کنند». وی عدم استقلال فکری و تبعیت کورکورانه از دیگران را از دیگر آسیب‌های این مسیر دانست و عنوان کرد: «کسانی به ظاهر دیندار هستند اما تقلید کورکورانه می‌کنند، در اسلام تقلید و تبعیت غیرمتخصص از متخصص داریم اما اگر انسان به شخصیت زدگی مبتلا شود دین او آسیب می‌بیند.»

■ صلح امام حسن، زمینه‌ساز قیام امام حسین شد

امام جمعه قم از برداشت‌های نادرست از دین به عنوان یکی دیگر از آسیب‌های دینداری نام برد و خاطرنشان کرد: «برخی به دلیل منافع و انگیزه‌های شخصی دین را وارونه تفسیر کرده و خود و پیروان خود را دچار مشکل می‌کنند، این افراد اسلام و آیات را تفسیر به رأی می‌کنند و برداشت‌های خود را ارائه می‌دهند که واقعیت ندارد. گاهی عده‌ای در جامعه بر اساس برداشت نادرست یک فرد راهی را انتخاب می‌کنند که از دین و دینداری فاصله دارد، باید تبیین صحیح از اسلام داشته باشیم و تا زمانی که آگاهی نداریم نباید مسائل اسلام را در ابعاد مختلف سیاسی و اجتماعی و ... تفسیر کنیم.»

دبیر شورای عالی حوزه‌های علمیه با تسلیت شهادت امام حسن(ع) اظهار داشت: «اگر امام مجتبی(ع) با معاویه از سر ناچاری وارد صلح می‌شوند نباید تفسیر نادرست داشته باشیم چرا که صلح ایشان زمینه‌ساز قیام امام حسین(ع) بوده است.» وی همچنین سالروز شهادت امام رضا(ع) را تسلیت گفت و ادامه داد: «مأمون برای از بین بردن حرکت انقلابی اهل بیت(ع)، امام رضا(ع) را به طوس آورد اما حضرت از این فرصت هم برای تبیین و ترویج اسلام ناب استفاده و با مناظره‌های خود دشمنان را منکوب کردند».

■ وضعیت امروز، مزد ترس است

واکنش به سخنان رئیس جمهور تنها به دبیر شورای عالی حوزه‌های علمیه هم متوقف نشد و حسن رحیم‌پور از غذی، کارشناس تاریخ اسلام و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در جمعی دانشجویی به این سخنان واکنش نشان داد.

به نوشته رجانیوز، در یک نشست دانشجویی با حسن رحیم پور، یکی از پرسشگران از وی در خصوص اظهارات جدید رئیس دولت سؤال کرد که با پاسخ قابل تأمل رحیم‌پور از غذی رو به رو شد. «... این وضعیت که امروز می‌بینیم، مزد ترس است. امروز همه جا و همه تیپ مردم، یکصدا شده‌اند که اعتماد به دشمن دین و دنیای مردم، عین نفسانیت و خلاف عقلانیت بود. شاید تنها دستاورد مفید اما ناخواسته تجربه شکست خورده دیپلماسی این شیخ، همین باشد که برای تاریخ ایران می‌ماند. اما وقتی نوبت به غارت دین مردم هم برسد، سکوت، حرام‌تر می‌شود.

شما درست می‌گویید. با وعده سراب، اقتصاد کشور را به اینجا رساندند. پیش‌تر، معیشت و دنیای مردم را برجامی کردند، حال نوبت به برجامی کردن دین مردم رسیده است.»

■ نسبت سازش را ابتدا معاویه به امام حسن(ع) بست

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی ادامه داد: «اکنون لحظه‌ای بود که باید کمترین شجاعت مسئولیت‌پذیری را داشته باشند و دیگر حریم پاک اهل بیت(ع) را به وهم و ترس خود نیالایند. اما این نخستین بار نیست که به امام حسن مجتبی(ع)، ستم می‌رود. نسبت سازش را اولین بار معاویه به ایشان بست تا خوارج و افراطیون را بر ایشان بشوراند. مظلوم بزرگ همه دوران‌ها، حسن بن علی(ع) است. شیعه حسن (ع)، آن است که عاقبت چون حسن(ع)، به دست دشمن، به شهادت رسد و خون بالا بیاورد. تعجبی نیست اگر غرب باوران در وقت پاسخگویی، دین و دنیای مردم را قربانی کنند. من امثال قاسم سلیمانی را واجد روحانیت و اهل معنا می‌دانم. مردم دارند تاوان توهم و وعده‌های چند سیاستمدار با ضریب هوشی پایین را می‌دهند که معلوم شد نه تنها مفهوم عزت و اقتدار ملی را نمی‌دانند بلکه سیاست بین‌الملل هم نمی‌دانند.»

رحیم پور از غدی تصریح کرد: «در پایان هشت سال مدیریت آرمان‌ستیزان، وقتی برای معلق زدن و طلبکار شدن نمانده، ضمن آنکه دیگر کسی هم پشت سرشان نمانده و با تخیلات و دروغ‌های‌شان تنها مانده‌اند. در سال‌های حاکمیت این ورژن از روحانیت، درجه اعتماد به لباس روحانیت به طرز بی سابقه‌ای تنزل یافت. اقتصاد برجامی و دیپلماسی ترس، در کنار دزدی‌های بی‌سابقه‌ای که این سال‌ها از بیت‌المال شد، ضربات سنگینی به دین و دنیای مردم زد. شانس مردم ما را ببین که آن یکی می‌خواهد با آنجلینا جولی، خودشان دو نفری مشکلات جهان را حل کنند و این یکی، در پایان هشت سال حکومتش هنوز منتظر ترحم ترامپ و تعهد اوباما و امید جدیدش، جو بایدن است.»

خبر

جانشین فرمانده نیروی قدس سپاه خطاب به امریکا:

اگر با شهادت سردار سلیمانی امنیت آوردید، چرا فرار می‌کنید؟!

ترامپ جنایتکار و آدمکش ادعا و اظهار می‌کند که با اقدامات وحشیانه من امریکا امروز امن‌تر است و بعد از شهادت شهید سلیمانی امریکا امن‌تر شده، اگر امریکا امن‌تر شده چرا در پایگاه‌های‌تان عین بید می‌لرزید و در پیام‌های‌تان خواهش می‌کنید که لختی فرصت دهید.

به گزارش سپاه نیوز، سردار سرتیپ پاسدار محمد حجازی، جانشین فرمانده نیروی قدس سپاه در پنجمین اجلاسیه مجاهدین در غربت اظهار داشت: «در اسلام مفاهیم بلندی وجود دارد که در جای جای قرآن و سخنان اهل بیت از آنها به عنوان مفاهیم ارزشمند والا و گران‌سنگ یاد شده است. مفاهیمی چون جهاد، مقاومت، هجرت، ایثار، شهادت و شجاعت مورد تکریم قرار گرفته و از آنها به بزرگی یاد شده است.» اجلاس بین‌المللی مجاهدین در غربت، عنوان اجلاسی است که در راستای تکریم و تجلیل از حماسه‌آفرینان و مجاهدانی که در غربت، پرچم جهاد فی سبیل الله را در کشورهای خط مقدم با دشمن، به دوش گرفته‌اند برگزار می‌شود. حجازی در این اجلاس بیان کرد: «مفهومی به نام صلح، صلح‌طلبی و صلح‌خواهی وجود دارد که گاهی با تسلیم مقابل بیگانگان اشتباه گرفته می‌شود.» وی با تأکید بر اینکه تحقق اهداف الهی بدون جهاد و تلاش میسر نمی‌شود، ادامه داد: «گاهی این صلح با تسلیم طلبی و سازش و نرمش مقابل بیگانگان اشتباه گرفته می‌شود. صلح اگر از موضع حکمت، عزت و مصلحت باشد نه تنها مردود نیست بلکه بسیار پسندیده است و اسلام آن را تأیید می‌کند.»

جانشین فرمانده نیروی قدس سپاه در بخش دیگری از سخنان خود بیان کرد: «ترامپ جنایتکار و آدمکش ادعا و اظهار می‌کند که با اقدامات وحشیانه من امریکا امروز امن‌تر است و بعد از شهادت شهید سلیمانی امریکا امن‌تر شده، اگر امریکا امن‌تر شده چرا در پایگاه‌های‌تان عین بید می‌لرزید و در پیام‌های‌تان خواهش می‌کنید که لختی فرصت دهید.» حجازی گفت: «اگر امن‌تر شده کجا فرار می‌کنید و برای چه پا به فرار گذاشتید؟ اگر ملاحظات انتخاباتی نبود امروز یک سرباز در امریکا نبود. ترامپ جنایتکار تصور می‌کند که با این جنایت‌ها در امنیت به سر می‌برد. خیر، آنها باید بایستند و تقاص جنایت‌های خود را بپردازند.» سردار حجازی تصریح کرد: «جریان مقاومت همیشه بوده و ادامه خواهد داشت. خط مقاومت، پیروزی و مقاومت بود و آنچه نصیب دشمن شده عقب‌نشینی و پسرفت بوده است.»

یادداشت

«صلح» به زور سر نیزه معیشت!

■ ادامه از صفحه یک

بنابراین، نقش اصلی تحمیل صلح به حاکمیت سیاسی کشور مجموعه‌ای از سیاستمداران اجرایی هستند که با اعمال فشار به مردم، آنها را ابزار فشار به حاکمیت کرده‌اند، در صورتی که امام حسن(ع) را عموم مردم (و بعضا فرماندهان ایشان) که تطمیع شده بودند وادار به صلح کردند.

۲- دو وجه تشابه دو مقطع زمانی، «ارتباط پنهانی فرماندهان با دشمن» و «اثرگذاری عملیات روانی بر روی جامعه» است. گروهی از سران قبایل کوفه و فرماندهان امام اگر چه با ایشان بیعت کردند، اما پنهانی به معاویه نامه نوشتند و اعلام وفاداری کردند و خواهان تشدید فشارها علیه امام و مردم هم پیمان با ایشان شدند. شبیه نقش نخبگان آن زمان را می‌توان در شرایط کنونی جست‌وجو کرد.

دیگر آنکه، عملیات روانی معاویه در جهت شوراندن مردم علیه راهبرد امام حسن(ع) بسیار مؤثر بود، تا جایی که به فاصله چند ساعت معاویه اکثریت مردم را با تهدید-تطمیع از دور امام دور کرد. شبیه آنچه امروز در ابعاد اقتصادی، معیشتی و سیاسی قابل تأمل است، به طوری که تلاش می‌شود به مردم دیکته شود که پافشاری نظام روی مبانی انقلابی عامل مشکلات کنونی است و صلح پایان‌دهنده وضع موجود است.

۳- پافشاری رئیس جمهور و مقامات ارشد دولت روی گزینه‌های «صلح»، «سازش» و «مذاکره» نشان می‌دهد که «استاندارد سازی رفتار ایران» یک «باور تعمیق یافته» و «غیرقابل تغییر» است و قاعدتاً باورها به راحتی تغییر نمی‌کند و صاحب باور معتقد است برای ایجاد تغییرات زیربنایی باید هزینه‌های فراوانی پرداخت کرد که مشکلات امروز کشور تنها بخش کم اهمیت آن و پله نخست است.

این تکرار تعمدی، نشان می‌دهد مهم‌ترین و ویژه‌ترین راهبرد دولت جهت اداره کشور «مذاکره با غرب» با هدف پایان دادن به مناقشات فی مابین است. این تنها یک پروسه نیست که با تعهدات مالایطاق برجامی و هزینه‌های فراخ اقتصادی – معیشتی ناشی از آن خاتمه یابد، بلکه یک پروژه بلند مدت است که مشکلات گسترده اقتصادی نظیر گرانی، تورم، رکود و بیکاری تنها یک مرحله از آن است و در ادامه باید جامعه در انتظار تکامل مراحل از پیش طراحی شده باشد.

بنابراین، منتقدان نباید اینگونه تصور می‌کنند که با هشدار و تذکر می‌توانند مسیر دولت را تغییر دهند چرا که تغییر «باور شکل گرفته طی ۴۲ سال» تقریباً غیر ممکن است و گام‌های صورت گرفته طی هفت سال اخیر برای عادی‌سازی روابط میان ایران – غرب پازل از قبل طراحی شده است که برجام تنها یک قطعه از آن است و تلاش می‌شود نهایتاً منتهی به تغییر ماهیت انقلاب نیز شود.

۴- اظهار چندباره سخنان اینچنینی حاوی مجموعه‌ای از پیام‌های داخلی و خارجی است. از جمله اینکه به افکار عمومی این پیام منتقل می‌شود که کشور از هر نظر در بن بست قرار گرفته است آنهم با ارائه سخنانی که حاوی مفاهیمی نظیر «راه‌های دور زدن تحریم‌ها به بن بست رسیده است»، «منابع و درآمدهای ارزی و غیر ارزی کشور به نقطه صفر رسیده است»، «خزانه کشور خالی است» و «ذخایر راهبردی کشور رو به اتمام است.»

موازی با این ادبیات در برهه‌های مختلف تعمداً احتمال رویارویی نظامی با ایالات متحده برجسته می‌شود و مصداق آن نیز «برجام سایه جنگ را از سر کشور برداشت» است.

قرار دادن مردم در چنین تعارض دست‌سازی ترس و اضطراب عمومی به‌وجود آورده و مردم را به اصل مذاکره مجدد به‌رغم تمام هزینه‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی راضی می‌کند، چرا که مردم احساس می‌کنند در شرایط جنگی قرار دارند و صلح با تمام پیامدهایش از جنگ اقتصادی امروز و جنگ محتمل نظامی فردا به صرفه‌تر است.

تضعیف روحیه ما می‌توانیم و به جای آن تلاش برای ایجاد احساس خود کوچک بینی ملی در بین جامعه یکی از اثرات قطعی اتخاذ چنین ادبیاتی است. از دلایل اصلی و اساسی جدا شدن قسمت‌های مهمی از خاک ایران و از بین رفتن استقلال ملی در دو دوره قاجاریه و شاهنشاهی ایجاد روحیه «خودکوچک‌بینی عمومی» بود که مهم‌ترین مصداق آن انعقاد عهدنامه‌های بین المللی نظیر عهدنامه پاریس، گلستان، ترکمنچای، آخال و گلداسمیت است که طی آن قسمت‌های مهمی از خاک ایران به دست کشورهای انگلیس، امریکا و روسیه رسما جدا شد یا جداسازی بحرین و هبه کردن کوه‌های آرارات توسط رژیم شاهنشاهی نیز نتیجه مستقیم حاکم شدن چنین روحیه‌ای در کشور است.

۵- پیام اصلی اتخاذ چنین ادبیاتی خطاب به خارج از کشور می‌تواند باشد. تطابق ناقص دو برهه زمانی مورد بحث، به معنای اظهار ضعف و ناتوانی در مقابل غرب و ترغیب و تشویق آنها به افزایش فشارهای اقتصادی- سیاسی است. دستگاه محاسبه سنجش کاخ سفید پافشاری معنادار دولت بر گزاره‌هایی را که مفهوم «مذاکره» را منتقل می‌کنند به معنای تمایل شدید برای مذاکرات جدید و چشم‌پوشی از اصول و مبنایی است که بر اساس آن انقلاب شکل گرفته است.

اینکه مقامات ارشد دولت امریکا طی هفته‌های اخیر از علاقه وافر طرف ایرانی به دور جدید مذاکرات فی‌مابین، سخن می‌گویند می‌تواند ناشی از همین پیام‌های علنی باشد که خود عامل اصلی گسترده شدن تحریم هاست.

یادداشت

تحریف برای تحمیل تسلیم

■ ادامه از صفحه یک

بنا بر متن منتشرشده در پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری آقای روحانی گفته است: «از امام حسن (ع) هم باید یاد بگیریم. او امام صلح و امام پیوند بود؛ او امامی بود که با ایجاد وحدت برای حفظ اساس اسلام گام برداشت. وقتی برخی از اصحاب امام حسن آمدند با زبان معترضانه که چرا قبول کردید و چرا صلح کردید؟ چرا در برابر طرف مقابل پیمان را امضا کردید؟ حضرت فرمود: "انی رأیت هوی معظم‌الناس علی الصلح"، گفت؛ جامعه اسلامی که شما ۱۰ نفر نیستید شما ۲۰ نفری که اینجا پیش من آمدید دنیای اسلام نیستید. من در مسجد برای مردم سخنرانی کردم و دیدم اکثریت قاطع جامعه صلح می‌خواهند و وقتی مردم این را می‌خواهند صلح را انتخاب می‌کنم. این راه امام مجتبی است، امام مجتبی به ما می‌آموزد مرد جنگ باشیم به روز جنگ و مرد صلح باشیم به روز صلح. اگر در روز صلح جنگیدیم و اگر در جنگ صلح کردیم هر دو خطا و اشتباه است. به موقع باید بایستیم و بجنگیم به‌موقع باید صلح کنیم.» اما اشکال این تلقی از تاریخ اسلام کجاست؟ اولاً و با «امام صلح» خواندن امام مجتبی (ع)، برای صلح ایشان اصالتی ذاتی قائل می‌شود. حال آنکه بر اساس تعالیم انسانی نه جنگ اصالت دارد، نه صلح و آنچه اصالت دارد انجام تکلیف الهی در مسیر حق و حق‌طلبی است. بر این اساس است که حضرت امام راحل (ره) در تبیین صلح امام حسن (ع) از آن با عنوان «صلح تحمیلی» یاد می‌کنند. علاوه بر این به کار بردن تعبیر «امام صلح»، ممکن است این تلقی را نیز ایجاد کند که «امام جنگ» هم وجود دارد که هر دو تعبیر با توجه به آنچه اشاره شد غلط است.

ثانیاً آنچه آقای روحانی به عنوان دلیل پذیرش صلح تحمیلی از سوی حضرت مطرح می‌کند، از اساس در تعارض با حقایق تاریخی است. در واقع آنچه دلیل اصلی تحمیل صلح به حضرت بود، همان چیزی است که باید موجب عبرت‌آموزی برای آقای روحانی و دیگر کارگزاران اجرایی نظام باشد. خیانت برخی کارگزاران حضرت همچون کندی (طلایه‌دار لشکر) و عبیدالله بن عباس (فرمانده لشکر) ایشان را ناچار به ترک مخاصمه و پذیرش صلح تحمیلی کرد. خیانت اطرافیان تا آنجا پیش رفت که بیم ترور و حتی تسلیم کردن ایشان به دشمن می‌رفت. چنانکه امام (ع) در پاسخ اعتراض عبیدالله بن زبیر به صلح فرمود: «وای بر تو! چه می‌گویی؟ مگر ممکن است من که فرزند شجاع‌ترین مردان عرب هستم و فاطمه، سرور زنان جهان، مرا به دنیا آورده است، از کسی بترسم. وای بر تو! هرگز ترس و ناتوانی در من راه ندارد. علت صلح من، وجود یارانی همانند تو بود که ادعای دوستی با من داشتید، ولی در دل، نابودی مرا آرزو می‌کردید.» (حیاة الامام الحسن (ع)، ج ۲، ص ۲۸۰.)

آقای روحانی که تلویحاً شرایط کنونی را با دوره صلح تحمیلی به امام حسن(ع) مقایسه می‌کند، آیا می‌تواند توضیح دهد که مصداق یاران خیانتکار آن حضرت که به دشمن گرا داده و با ترک یاری، حضرت را وادار به پذیرش شرایط دشمن کردند در شرایط کنونی چه کسانی هستند؟ آیا تشبیه شرایط کنونی به آن دوره کنونی در مجموع به سود آقای روحانی است و یا زیانش؟ چنانکه امام خمینی (ره) در خصوص نقش یاران خائن امام می‌فرماید: «امام حسن - سلام‌الله‌علیه - آن‌قدر گرفتاری که از این دوستان و اصحابش داشت از دیگران نداشت. اصحابی که توجه نداشتند که امام زمان‌شان روی چه نقشه دارد عمل می‌کند، با خیال‌های کوچک‌شان، با افکار ناقص‌شان در مقابلش می‌ایستادند و غارتش کردند و اذیتش کردند، و - عرض می‌کنم که - شکستش دادند، معاهده با دشمنش کردند و هزار جور بساط درست کردند.» (صحیفه امام، ج ۹، ص: ۳۰)

ثالثاً نکته‌ای را که آقای روحانی به آن اشاره نمی‌کند، بدعهدی دشمن در ماجرای صلح تحمیلی به حضرت است. چنانکه مطابق مستندات تاریخی معاویه صراحتاً تعهدات خود را زیر پا گذاشت و بدان نیز تصریح کرد. اساساً ماجرای صلح حضرت از آن جهت مهم است که برای ابد مؤمنان بدانند که دشمن غدار قابل اعتماد نیست و حضرت امام حسن (ع) نیز با آنکه بی‌وفایی دشمنش را می‌دانست، اما برای ثبت در تاریخ و روشن شدن برای همه، این تحمیل را پذیرفت. حال که آقای روحانی و همفکرانش به جز مستندات تاریخی متعدد در تاریخ اسلام و انقلاب اسلامی، یک‌بار نقض عهد و خیانت دشمن را در ماجرای «برجام» دیده‌اند چرا باز به دنبال امتحان کردن این راه بی‌فایده و پرهزینه هستند؟!

رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنرانی‌ای به مناسبت سالگرد ارتحال امام (ره) از دو سناریوی توأمان دشمن در «تحریم» و «تحریف» نام بردند. به نظر می‌رسد برخی چهره‌ها و جریانات داخلی با هر نیتی در حال تکمیل پازل دشمن در این دو سناریو هستند که یکی از مصادیق آن تحریف تاریخ اسلام برای پیشبرد نیات سیاسی خاص است.

اینک این نوشتار را با جملاتی از بیانات امام راحل عظیم‌الشأن (ره) به پایان می‌بریم: «قصه امام حسن و قضیه صلح، این هم صلح تحمیلی بود؛ برای اینکه امام حسن، دوستان خودش، یعنی آن اشخاص خائنی که دور او جمع شده بودند، او را جوری کردند که نتوانست خلافتش را بکند، صلح کرد؛ صلح تحمیلی بود. این صلحی هم که حالا به ما می‌خواهند بگویند، این است. بعد از اینکه صلح کردند، به حسب روایت، به حسب نقل، معاویه به منبر رفت و گفت که تمام حرف‌هایی که گفتم، من قرار دادم، زیر پایم؛ مثل پاره کردن این مردیکه آن قراردادها را. آن صلح تحمیلی که در عصر امام حسن واقع شد، آن حکمیت تحمیلی که در زمان امیرالمؤمنین واقع شد و هردویش به دست اشخاص حیله‌گر درست شد، این ما را هدایت می‌کند به اینکه نه زیر بار صلح تحمیلی برویم و نه زیر بار حکمیت تحمیلی» (صحیفه امام؛ ج ۲۰، ص ۱۱۸-۱۱۹).

گزیده خبر

مجتهد شبستری:

آدرس مشکلات کاخ سفید نیست

اینکه همه مشکلات را به سمت تحریم‌ها حواله دهیم و منشأ همه مشکلات را کاخ سفید بدانیم، مطابق با واقعیت نیست و باید پذیرفت برخی مشکلات ناشی از بی‌تدبیری مسئولان است.

حجت‌الاسلام